



آخرین پشت‌پای بولتون به ترامپ؟

جان بولتون، آخرین جمله کتاب خود را نیز به صورت غیرمستقیم، خطاب به دونالد ترامپ نوشته است؛ اعتماد به نفس همواره دوام نمی‌آورد. غیر از اطلاعات محرمانه و طبقه بندی شده، افراد بزرگسال در ایالات متحده آمریکا مسائل و دغدغه‌های سیاسی امروز را متوجه می‌شوند.



اما به نظر می‌رسد جان بولتون قصد ندارد به سادگی از کنار اخراج خود از کاخ سفید بگذرد. بدون شک در جریان رقابت‌های انتخابات ریاست جمهوری ماه نوامبر (آبان ماه) امسال شاهد نقش‌آفرینی پررنگ‌تر بولتون علیه ترامپ و همراهانش خواهیم بود.

قرار است کتاب جدید و جنجالی جان بولتون مشاور امنیت ملی سابق آمریکا تحت عنوان «اتاقی که در آن اتفاق افتاد» روز سه‌شنبه ۲۳ ژوئن (سوم تیرماه)، به صورت رسمی و سراسری منتشر شود. دونالد ترامپ، رئیس جمهور آمریکا و همراهانش در کاخ سفید تلاش زیادی برای جلوگیری از انتشار این کتاب صورت داده اند و حتی از دادگاه فدرال خواستند تا به دلیل انتشار اسناد مربوط به حوزه امنیت ملی آمریکا، مانع از توزیع کتاب در سراسر آمریکا شود. با این حال در نهایت قاضی فدرال انتشار و توزیع کتاب بولتون را با مانع دانست. در اینجا به بررسی این کتاب و ترجمه بخش هایی از آن براساس نسخه اصلی خواهیم پرداخت.



تویک شیطان مجسم هستی!

جان بولتون در فصل اول کتاب، از مسیر طولانی و پرتلاطمی سخن می‌گوید که از آغاز دوران ریاست جمهوری ترامپ تا تاریخ ۹ آوریل ۲۰۱۸ (زمان انتصاب رسمی خود به عنوان مشاور امنیت ملی آمریکا) طی کرده است. وی در بخشی از خاطرات خود از آن دوران می‌نویسد: «طی هفته‌های اول استقرار دولت ترامپ، اداره امنیت ملی آمریکا دچار بی‌نظمی و سردرگمی شده بود. در آن زمان پمپئو به عنوان رئیس سازمان سیا پررنگ‌ترین نقش را در تسلط بر آن مجموعه داشت.»

او در جای دیگر، به نقش «چرد کوشنر» داماد ترامپ و مشاور او در انتصاب خود به عنوان مشاور امنیت ملی آمریکا اشاره کرده است: «چرد کوشنر(داماد ترامپ) متن کوتاهی برای من ارسال کرد که در آن نوشته بود: ما واقعا می‌خواهیم که از شما (بولتون) در تیم خود استفاده کنیم، این فرصتی عالی برای ما خواهد بود.» او در قسمتی دیگر از این بخش کتاب، از طرح اولیه خود برای خروج آمریکا از توافق هسته‌ای که قبل از حضور وی در مسند مشاور امنیت ملی آمریکا ارائه شد، می‌نویسد: «من استراتژی خروج از توافق هسته‌ای با ایران را مدت‌ها قبل (قبل از خروج رسمی آمریکا از برجام) پیشنهاد داده بودم. حتی محمدجواد ظریف، وزیر خارجه ایران در واکنش به مقاله‌ای که در این خصوص نوشته بودم، نقشه اولیه من برای خروج آمریکا از برجام را یک شکست بزرگ برای واشنگتن دانست.» بولتون در قسمتی دیگر از کتاب خود، از ماجرای ملاقات اولیه خود با جیمز متیس وزیر دفاع سابق آمریکا در مقر پنتاگون سخن می‌گوید: «زمانی که مشاور امنیت ملی دولت ترامپ شدم، جیمز متیس (وزیر دفاع سابق آمریکا) به من گفت که شنیده‌ام تو (بولتون) شیطان مجسم هستی! این‌ها خودم را گاز گرفتم تا پاسخ او را ندانم!»

چرا تحریم‌های ایران را زودتر اعمال نمی‌کنید؟

جان بولتون قسمتی مهم از بخش سوم کتاب خود را به بررسی چگونگی خروج آمریکا از توافق هسته‌ای با ایران (برجام) اختصاص داده است. وی در این خصوص می‌نویسد: «استیو منوچین» وزیر خزانه‌داری آمریکا اصرار داشت که برای وضع دوباره تحریم‌ها علیه ایران، شش ماه زمان لازم است. اما من و پمپئو اصرار داشتیم که باید تحریم‌ها هرچه سریع‌تر اعمال شود. اساسا برای من قابل درک نبود که تحریم‌ها بخواهد در مدت زمانی طولانی علیه ایران بازگردانده شود. این تحریم‌ها باید هرچه زودتر علیه ایران اعمال می‌شد. در نهایت وزارت خزانه‌داری آمریکا مدت زمان ۱۸۰ روزه پیشنهادی خود را به ۹۰ روز رساند.

ما اروپایی‌ها را رها کردیم!

در بخش ششم کتاب، جان بولتون به راهبرد نادرست ترامپ در قبال متحدان اروپایی آمریکا اشاره کرده است. او با اشاره به دیدار خود با نیکلای پاتروشف، دبیر شورای امنیت ملی روسیه می‌نویسد: من (جهت ایجاد مقدمات دیدار پوتین و ترامپ) به مسکو سفر کردم. در آنجا جان هانتسمن، سفر آمریکا در روسیه به استقبال من آمد. او تاکید داشت بازی روس‌ها با آمریکا، مبتنی بر آشفتگی و به وجود آمده میان بازیگران اروپایی متحد ما (آمریکا) است. کشورهای اروپایی که ما آنها را رها کرده‌ایم و هم اکنون در ترس به سر می‌برند. در دیدار با پاتروشف، بحث را از موضوع کلیدی کنترل تسلیحاتی آغاز کردم. پاتروشف به من یادآور شد در دکتترین رسمی روسیه، راهبرد تهاجمی برای اهداف مغرب جایی ندارد و راهبرد دفاعی در حوزه امنیت و سیاست خارجی این کشور موضوعیت دارد.

بازی را در کاراکاس باختمیم

بخش نهم کتاب بولتون، به موضوع مواجهه مستقیم آمریکا و دولت نیکلاس مادورو در ونزوئلا می‌پردازد. مشاور امنیت ملی سابق آمریکا اذعان می‌کند واشنگتن در این مواجهه موفقیتی به دست نیاورده است؛ در دوران ترامپ فرصتی طلایی به وجود آمد تا با رژیم مادورو در ونزوئلا مقابله شود و این رژیم از بین برود. با این حال باید این مسیر تداوم پیدا می‌کرد و ما به فشارهای همه جانبه خود به کاراکاس ادامه می‌دادیم. ما موفق نبودیم. آمریکا سال ۲۰۱۹ میلادی، از اقدامات مخالفان دولت مادورو در ونزوئلا و تلاش آنها برای سرنگونی این حکومت حمایت می‌کرد. زیرا ما ایجاد یک حکومت جدید در ونزوئلا را جزو منافع خود می‌دانستیم. این تلاش‌ها کم‌اکن ادامه دارد.

سردرگمی ترامپ در مقابل پکن

جان بولتون، در بخش دهم کتاب خود به اختلافات عمده‌ای اشاره می‌کند که میان وی، استیو منوچن، وزیر خزانه داری و حتی در مواردی شخص دونالد ترامپ در خصوص نحوه تقابل اقتصادی و تعرفه‌ای با پکن وجود داشته است؛ در دولت ترامپ، اختلافاتی در خصوص نقش وزارت خزانه‌داری آمریکا در مذاکرات تعرفه‌ای با پکن به وجود آمده بود. استیو منوچین خود را در مذاکرات تجاری با چین دخیل کرده بود. این در حالی بود که در دولت‌های قبلی نقش وزارت خزانه‌داری در مذاکرات، از نقش نماینده تجاری دولت و مشاوران ویژه اقتصادی رئیس جمهور کمتر بود. او در ادامه، به لحن التماس گونه ترامپ خطاب به شی جی پنگ، رئیس جمهور چین نیز اشاره می‌کند؛ جایی که ترامپ به وی می‌گوید: ترامپ از شی (رئیس جمهور چین) درخواست کرد پیروزی وی را در انتخابات تضمین کند. او بر اهمیت جایگاه کشاورزان در انتخابات سال ۲۰۲۰ و اهمیت افزایش خرید سوپا و گندم کشاورزان آمریکایی از سوی چینی‌ها تاکید کرد.

تمسخر ترامپ توسط بولتون و پمپئو

بخش چهارم کتاب جان بولتون، به پرونده مذاکرات مستقیم ترامپ و کیم جونگ اون، رهبر کره شمالی اختصاص دارد. او در این بخش، به تناقض‌های جاری در حوزه سیاست خارجی دولت ترامپ در قبال موضوع کره شمالی اشاره می‌کند. او در ابتدا، به تفاوت نگاه خود و جیمز متیس (وزیر دفاع سابق آمریکا) در قبال موضوع مذاکره با مقامات کره شمالی اشاره می‌کند و می‌نویسد: «در پرونده کره شمالی و جنوبی، جیمز متیس (وزیر دفاع سابق آمریکا) همواره به ترامپ می‌گفت که همیشه راهی برای دیپلماسی وجود دارد. من از دیدار ترامپ و کیم جونگ اون (رهبر کره شمالی) نگران و نسبت به آن دلخور بودم. با این حال پمپئو به من گفت که شیفنگی ترامپ برای این دیدار، از ابتدای حضور وی در دولت وجود داشته است.» حتی بولتون در بخش دیگری از این کتاب، به نگاه انتقادآمیز مایک پمپئو، وزیر خارجه آمریکا در قبال سیاست‌های ترامپ در کره شمالی اشاره می‌کند: «ترامپ اعلام کرد که برخلاف آنچه او‌با ما در جریان توافق با ایران صورت داد، من نظر اکثریت سنارا در خصوص هرگونه توافق هسته‌ای با کره شمالی جلب خواهم کرد؛ در آن زمان پمپئو برای من پیغام فرستاد که او (ترامپ) پراز فریب است!» جان بولتون در قسمتی دیگر، از نگرانی کاخ سفید از مذاکرات رهبران کره شمالی با سران دوششور چین و روسیه پرده برداشته است: «ترامپ شکایت داشت که کیم جونگ اون ملاقات‌هایی را با روسیه و چین برای کسب امتیازات بیشتر از آمریکا (در گفت‌وگوهای مستقیم ترامپ – اون) صورت داده است.»

کلاف سردرگم اردوغان و ترامپ

جان بولتون در بخش هفتم کتاب خود، بار دیگر به بررسی تحولات حوزه سیاست خارجی آمریکا می‌پردازد. او در این بخش می‌گوید، به ملاقات اردوغان و ترامپ در سال ۲۰۱۸ و حاشیه نشست اعضای ناتو در بروکسل اشاره می‌کند: ترامپ و اردوغان در ملاقات حضوری و البته بعدا مکالمات تلفنی خود، حول نکات متعددی با یکدیگر چانه‌زنی می‌کردند. یکی از آنها، مربوط به دستگیری اندرو برنسون، کشیش آمریکایی در ترکیه بود. او به اتهام ارتباط با فتح ا... گولن بازداشت شد. اما دیدار آنها، حول موضوع دیگری نیز متمرکز شده بود: دستگیری مهمت آتیلّا، مقام ارشد هالک بانک ترکیه در آمریکا. اردوغان بعدها نیز از اقدام کنگره در ممنوعیت فروش اف – ۳۵ از سوی آمریکا به آنکارا ابراز نگرانی کرد. با این حال کنگره اعلام کرده بود در صورت خرید سامانه اس ۴۰۰ روسیه توسط ترکیه، این اقدام را علیه آنکارا انجام خواهد داد.

تحریم‌های کره شمالی را لغو نمی‌کنم

جان بولتون، در بخش یازدهم کتاب خود به تلاش دوباره ترامپ برای ملاقات با کیم جونگ اون اشاره می‌کند. او می‌گوید: ترامپ خود دیز به خوبی به یاد دارد که گفته بود تا زمانی که کره شمالی خلع سلاح کامل نشود، هیچ‌گونه تحریمی علیه این کشور برداشته نخواهد شد. شینزو آبه، نخست‌وزیر ژاپن در سفری که در آوریل سال ۲۰۱۹ به واشنگتن داشت، تاکید کرد زمان به سود ما (آمریکا و ژاپن) است. آمریکا باید به تحریم‌های خود علیه کره شمالی ادامه بدهد و در مذاکرات نیز هیچ امتیازی به پیونگ یانگ ندهد.

خشم بولتون از شعار مرگ بر آمریکا

جان بولتون در بخش دوازدهم از کتاب خود، به شعار “مرگ بر آمریکا” و “مرگ بر اسرائیل” که توسط ملت ایران و خطاب به سیاستمداران آمریکایی و صهیونیستی سر داده می‌شود، اشاره می‌کند و می‌گوید: ما ایران را تحریم می‌کنیم. ما باید فشار حداکثری خود علیه ایران را ادامه دهیم. البته نه فقط برای موضوع هسته‌ای و موشک‌های بالستیک. ایران بانک حمایت از تروریسم محسوب می‌شود. البته در این میان یک نگرانی واقعی وجود دارد. این که هر گونه اقدامی علیه ایران می‌تواند خطر را برای نیروهای آمریکایی مستقر در عراق و کل منطقه (غرب آسیا) افزایش دهد. بولتون که خود طرفدار سیاست فشار حداکثری بر ایران است، اذعان می‌کند تغییر رفتار نظام جمهوری اسلامی ایران بر اثر اعمال فشارهای آمریکا غیرممکن است؛ از من پرسیدند آیا اطمینان داری اعمال فشار حداکثری می‌تواند منجر به تغییر رفتار ایران شود؟ گفتیم ای تغییر رفتار از سوی نظام فعلی ایران غیر ممکن است. باید محتاط تغییر نظام در ایران صورت گیرد تا ما به اهداف خود برسیم.

جوگیری آقای رئیس جمهور

جان بولتون در بخش دوم کتاب خود نوشته است که در روزهای نخست حضور در مسند مشاور امنیت ملی آمریکا، ترامپ با او مکالمه‌ای ۲۰ دقیقه‌ای داشته است. در این مکالمه ترامپ تاکید کرده است: «با زگرداندن خاورمیانه به مسیر صحیح! پیچیده و دشوار است. من چندی پیش ژنرال جک کین ژنرال چهار ستاره و معاون سابق ارتش آمریکا را در شبکه فاکس نیوز دیدم و با او صحبت کردم. من ایده جک کین درخصوص بمباران پنج فرودگاه نظامی اصلی سوریه را پسندیدم!» او در جای دیگر، به تاثیرگذاری خاص ایالات متحده آمریکا بر رفتار دولت فرانسه در سوریه اشاره کرده و می‌نویسد: «از امانوئل مکرون، رئیس جمهور فرانسه (توسط کاخ سفید) خواسته شده بود تا مشارکت جدی و قوی خود را در ائتلاف نظامی آمریکا علیه سوریه اعلام کند.»

هوش پایین جغرافیایی ترامپ!

جان بولتون در بخش پنجم کتاب، به برگزاری نشست‌های فشرده ترامپ در بروکسل، لندن و هلسینکی اشاره می‌کند. جذاب‌ترین موضوعی که در این بخش مطرح شده است، مربوط به ملاقات پوتین و ترامپ در هلسینکی در جولای سال ۲۰۱۸ میلادی است. ملاقاتی که گویا بولتون نسبت به آن نیز دید مثبتی نداشته است: «ترامپ قرار بود سه دیدار داشته باشد؛ یکی دیدار با سران دشمن ماسنت. ترامپ می‌گفت شاید ملاقات من با پوتین آسان‌ترین ملاقات و نشست من باشد؛ چه کسی می‌داند! بولتون سپس می‌نویسد: «من به ترامپ گفتم که می‌خواهم به مسکو بروم، تا مقدمات دیدار وی و پوتین(در هلسینکی) را فراهم کنم. ترامپ به من گفت: مطمئن می‌خواهی آنجا سفر کنی؟! نمی‌توانی تلفنی این مقدمات را فراهم کنی!» نقطه اوج این بخش از کتاب که مورد توجه شدید رسانه‌های آمریکایی از جمله نیویورک تایمز قرار گرفته است، به دیالوگ معروف ترامپ و جان کلی (رئیس دفتر سابق وی) درخصوص موقعیت جغرافیایی روسیه و فنلاند باز می‌گردد: «ترامپ واقعا علاقه داشت که پوتین به واشنگتن سفر کند اما پوتین علاقه‌ای نسبت به این اقدام نداشت. میان ما و روسیه بر سر انتخاب وین یا هلسینکی برای دیدار ترامپ-پوتین اختلاف نظر وجود داشت. ترامپ یک بار از ما پرسید: آیا فنلاند بخشی از قلمروی روسیه محسوب می‌شود؟! او حتی کمی بعد، از جان کلی پرسید: (آیا ملاقات ما در هلسینکی توجیه دارد) اگر فنلاند قسمتی از خاک روسیه باشد؟!»

بعد از یک ماه فهمیدم چه خبر است!

جان بولتون در بخش هشتم کتاب خود، ارزیابی کلی خود از سیاست‌ها و اقدامات دولت ترامپ در مدت زمان حضور خود در مسند مشاور امنیت ملی آمریکا را بیان می‌کند: یک ماه از زمان حضور من در کاخ سفید سپری شد تا متوجه مناسبات جاری در این مجموعه شدم. در این مدت فرصتی برای ارزیابی (کاخ سفید) پیدا کردم. متوجه شدم چگونه در بسیاری از بخش‌ها، شاهد ناکارآمدی هستیم. بخشی از این ناکارآمدی‌ها را در همین کتاب شرح داده‌ام. تقریباً ۸۰ تا ۹۰ ماه پس از ورود من به کاخ سفید و در پایان سال ۲۰۱۸ میلادی و ابتدای سال ۲۰۱۹ میلادی، شاهد اقدامات غیر قابل پیش‌بینی ترو غیرقاعده‌مندتری در داخل دولت ترامپ بودم.

مذاکرات بی فایده

جان بولتون در بخش سیزدهم کتاب خود، به سیاست‌های آمریکا در افغانستان اشاره می‌کند. او راهبرد دولت ترامپ در افغانستان و مذاکره با طالبان را چندان برای آمریکا سودمند نمی‌داند؛ مذاکرات مداوم رژیم خلیل‌زاد و مقامات طالبان، مولد پیچیدگی‌های دیگری در افغانستان است. مایک پمپئو مدعی بود اصلی‌ترین پیش شرط ترامپ در مذاکرات، یعنی رساندن نیروهای آمریکایی به صفر در افغانستان را محقق می‌سازد. اما به نظر من این سیاست بسیار بد و اشتباه است. بولتون در عین حال به عدم قاطعیت و سردرگمی ترامپ در مذاکره با طالبان اشاره می‌کند و می‌نویسد: در یکی از جلساتی که همراه ترامپ و پاتریک شاهانان (قایم مقام وزارت دفاع آمریکا) حضور داشتم، شاهانان قصد داشت آخرین وضعیت مذاکره با طالبان و موضوعات کلیدی را تشریح کند. ناگهان ترامپ گفت: آیا اعلام این موضوع که ما نیروهای خود را از افغانستان خارج می‌کنیم، دست ما را در مذاکره با طالبان خالی نمی‌کند؟

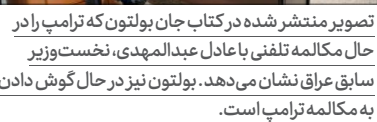
بولتون و اوکراین گیت

جان بولتون، در بخش چهاردهم از کتاب خود به ماجرای اوکراین گیت و زمان وقوع آن اشاره می‌کند: استعفا می (بولتون) از مسند مشاور امنیت ملی آمریکا، در آستانه طرح ماجرای اوکراین گیت صورت گرفت. بولتون در ادامه کتاب خود، ضمن تاکید بر درخواست ترامپ از ژلانسکی، رئیس جمهور اوکراین برای پیگیری پرونده اقتصادی جو بایدن و فرزندش هانتز را بایدن می‌گوید: ترامپ دقیقا نمی‌دانست باید از ژلانسکی بخواهد چه چیزی را (در خصوص پرونده اوکراین گیت تکذیب کند. او واقعا سردرگم بود.

روز استعفا

جان بولتون در بخش پانزدهم کتاب خود، ماجراهایی را از ساعات و روزهای پس از استعفا ی خود در کاخ سفید نقل می‌کند؛ هنگامی که من در تاریخ ۱۰ سپتامبر سال ۲۰۱۹ میلادی، از سمت خود به عنوان مشاور امنیت ملی آمریکا استعفا کردم، کسی تصور نمی‌کرد به‌زودی وارد پرونده استیضاح ترامپ (بر سر ماجرای اوکراین گیت) شوم. هریک از طرفداران استیضاح، مخالفان استیضاح، خبرنگاران و افراد مختلف در این پرونده دغدغه‌های خودشان را داشتند. من نیز ترجیح دادم در این خصوص سکوت کنم. می‌خواستم در موعد مقرر و زمانی که خود می‌خواستم، سخنان و نکاتم را در این خصوص بیان کنم. وی در خصوص جلسه برگزاری استیضاح ترامپ نیز تاکید کرده است، از ابتدا مشخص بود جلسه استیضاح ترامپ، تحت تاثیر معادلات حزبی (بازی اکثریت جمهور بخواه در سنا) قرار می‌گیرد. دقیقا همین اتفاق هم افتاد در خصوص اسناد کنگره (که در آن اجازه شهادت جان بولتون از سوی سناتورها و شخص ترامپ داده نشد).

کارشناسان سیاسی در آمریکا معتقدند کتاب بولتون می‌تواند چالش جدی برای کمپین انتخاباتی ترامپ ایجاد کند و بر روی رای دهندگان مستقل و حتی برخی جمهوری خواهان که متمایل به طیف نومحافظه‌کاران هستند تاثیر بگذارد.



تصویر منتشر شده در کتاب جان بولتون که ترامپ را در حال مکالمه تلفنی با عادل عبدالمهدی، نخست‌وزیر سابق عراق نشان می‌دهد. بولتون نیز در حال گوش دادن به مکالمه ترامپ است.